



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

بدارآ، یا
محو و اثبات الہی

مرتضیٰ عسگری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بدارآ، یا، محو و اثبات الهی

نویسنده:

مرتضی عسگری

ناشر چاپی:

المجمع العلمی الاسلامی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

| | |
|----|---|
| ۵ | فهرست |
| ۶ | بدآ، یاء، محو و اثبات الهی |
| ۶ | مشخصات کتاب |
| ۶ | معنای لغوی بداء |
| ۶ | معنای بداء در اصطلاح علمای عقاید اسلامی |
| ۶ | بداء در قرآن کریم |
| ۱۰ | بداء در روایات مکتب خلفا |
| ۱۱ | بداء در روایات امامان اهل بیت |
| ۱۲ | اثر اعتقاد به بداء |
| ۱۲ | پاورقی |
| ۱۳ | درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان |

بدارآ، یا، محو و اثبات الهی

مشخصات کتاب

سرشناسه: عسکری مرتضی - ۱۲۹۳
 عنوان و نام پدیدآور: بدارآ، یا، محو و اثبات الهی مرتضی عسکری مشخصات نشر: [تهران: مجمع علمی اسلامی ۱۳۷۷].
 مشخصات ظاهری: ص ۳۹
 فروست: (بر گستره کتاب و سنت ۸)
 شابک: ۹۶۴-۵۸۴۱-۵۰-۱۰۰۰ ریال؛ ۹۶۴-۵۸۴۱-۵۰-۱۰۰۰ ریال یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس عنوان دیگر: محو و اثبات الهی موضوع: بدارآ
 رده بندی کنگره: BP۲۱۸/۴۴/ع ۴ب ۴ ۱۳۷۷
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۲
 شماره کتابشناسی ملی: م ۷۷-۹۱۴۱

معنای لغوی بداء

بدا در لغت دو معنی دارد:

۱. «بَدَأُ الْأَمْرَ بُدْؤًا وَ بَدَاءً»، یعنی: این موضوع آشکار واضح شد. پس، یکی از معانی «بداء» آشکار شدن و وضوح است.
۲. «بَدَأَ لَهُ فِي الْأَمْرِ كَذَا»، یعنی: در این موضوع چنین رأیی برایش پیدا شد؛ رأی تازه ای پیدا کرد.

معنای بداء در اصطلاح علمای عقاید اسلامی

علمای «عقاید اسلامی» گفته اند: «بداء» درباره خداوند، آشکار کردن چیزی است که بر بندگان مخفی بوده و ظهورش برای آنان تازگی دارد.

بنابراین، کسانی که پنداشته اند مقصود از «بداء» درباره خداوند این است که برای حق تعالی نیز، همانند مخلوقات، رأی تازه ای - غیر از آنچه پیش از «بداء» داشته - پیدا می شود، سخت در اشتباهند، راستی را که خداوند برتر و بالاتر از آن است که می پندارند.

بداء در قرآن کریم

الف) خدای متعال در دو موضع از سوره رعد، آیات ۷ و ۲۷ می فرماید:

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ...؛

کسانی که کافر شدند می گویند: چرا آیت و معجزه ای از پروردگارش بر او نازل نشده؟...

سپس در آیات ۳۸ - ۴۰ همان سوره می فرماید:

... وَ مَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٍ يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ وَ إِنْ مَا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَ عَلَيْنَا الْحِسَابُ؛

هیچ پیامبری را نشاید که آیت و معجزه ای بیاورد مگر به فرمان خدا. هر دورانی را سرنوشتی است. خداوند هر چه را بخواهد محو

و نابود، و هر چه را بخواهد اثبات و برجای می‌گذارد، و ام‌الکتاب [لوح محفوظ] نزد اوست. و اگر پاره‌ای از آنچه را که به آنان وعده می‌دهیم به تو نشان دهیم، یا تو را [پیش از موعد] بمیرانیم، در هر حال، آنچه بر عهده توست تنها تبلیغ و رساندن است، حساب [آنان] برماست.

شرح کلمات

۱. آیه

آیه در لغت علامت و نشان آشکار است. چنانکه این شاعر گفته است:

و فی کُلِّ شَیْءٍ لَّهُ آیَهَةٌ عَلَیْ أَنَّهُ وَاحِدٌ

در هر چه که بنگری نشانه آشکار وجود خداوند و دلیل روشن یکتایی او است.

معجزات انبیا از آن رو «آیت» نام گرفته که نشان درستی آنان، و دلیلی بر قدرت الهی است. همو که ایشان را توان آوردن چنان معجزاتی مانند عصای موسی و ناقه صالح بخشیده و در آیات ۶۷، سوره شعرا و ۷۳ سوره اعراف بدان اشارت فرموده است. قرآن کریم، همچنین انواع عذابها را که خداوند بر امتهای کافر نازل فرموده، «آیت» نامیده است. چنانکه در سوره شعراء درباره قوم نوح می‌فرماید:

ثُمَّ أَعْرَفْنَا بَعْدَ الْبَاقِينَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآیَةً [۱]؛

سپس بر جای ماندگان را غرق کردیم. راستی را که در آن آیت و نشانه‌ای است.

و درباره قوم هود می‌فرماید:

فَكَذَّبُوهُ فَأَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآیَةً [۲]؛

آنان پیامبران هود را تکذیب کردند، ما هم نابودشان کردیم. راستی را که در آن آیت و نشانه‌ای است.

و درباره قوم فرعون در سوره اعراف فرموده:

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجَرَادَ وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِعَ وَالدَّمَ آيَاتٍ مُّفَصَّلَاتٍ [۳]؛

پس، طوفان و ملخ و آفت گیاهی و قورباغه و خون را - که آیات و نشانه‌های جدا جدا بودند - بر آنان فرستادیم.

۲. أَجَل

أجل یعنی: مدت، وقت و زمان محدود، سرانجام و پایان کار. اینکه گفته می‌شود: فلان کس اجلش فرا رسید، یعنی: مرد و مدت عمرش به سر آمد. و اینکه گفته می‌شود: برای آن اجلی تعیین شده، یعنی: برای آن وقت محدودی قرار داده اند.

۳. کتاب

برای کتاب معانی متعددی است و مقصود از آن در اینجا «مقدار نوشته شده یا مقدر» است، و معنای: «لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ» که در آیه آمده این است که: زمان آوردن معجزه به وسیله پیامبر(ص) از پیش تعیین شده، یعنی: هر دورانی را سرنوشتی معین است.

۴. يَمْحُو

يمحو یعنی: محو می‌کند، زایل می‌گرداند. «محو» در لغت به معنای باطل کردن و از بین بردن است. همان گونه که خدای متعال در سوره اسراء، آیه ۱۲ می‌فرماید:

فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً؛

پس نشانه شب را محو کرده و نشانه روز را روشنی بخش قرار دادیم.

و در سوره شوری، آیه ۲۴ می‌فرماید:

وَيَمْحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ وَيُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ؛

خداوند باطل را محو و نابود و حق را به فرمان خود ثابت و استوار می‌دارد.

یعنی آثار باطل را از بین می‌برد.

تفسیر آیات

خدای سبحان در آیات گذشته می‌فرماید: کفار قریش از رسول خدا(ص) درخواست کردند تا برای آنان معجزاتی بیاورد، خداوند نوع درخواست آنان را نیز در سوره اسراء بیان داشته و فرموده است:

وَقَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَنْبُوعًا... أَوْ تُسْقِطَ السَّمَاءَ كَمَا زَعَمَتْ عَلَيْنَا كِسْفًا أَوْ تَأْتِيَ بِاللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ قَبِيلًا؛ [۴].

و گفتند: ما هرگز به تو ایمان نمی‌آوریم تا آنکه چشمه جوشانی از این سرزمین برای ما بیرون آوری... یا قطعات آسمان را-آنگونه که می‌پنداری- بر سر ما فرود آوری، یا خداوند و فرشتگان را در برابر ما بیاوری.

و در آیه ۳۸ سوره رعد می‌فرماید: «وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ» هیچ پیامبری حق ندارد معجزه‌ای را - که از او خواسته‌اند - بیاورد «إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ» مگر به فرمان خدا. زیرا، هر کاری در تقدیر مکتوب الهی زمان ویژه‌ای دارد.

خداوند در آیه بعد، بدون فاصله، استثنای از تقدیر مکتوب را بیان داشته و می‌فرماید: «يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ» خداوند هر چه را بخواهد محو می‌کند، یعنی: دست خدا بسته نیست و هر جا که خواست رزق و اجل و سعادت و شقاوت را در این مکتوب مقدر، تغییر می‌دهد. «وَيُثَبِّتُ» و هر چه را بخواهد - از نانوشته‌ها - در آن جای می‌دهد. زیرا «وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» اصل کتاب تقدیر و سرنوشت یعنی «لوح محفوظ» که هیچ‌گونه تغییر و تبدیلی در آن نیست، نزد خداست.

بدین خاطر بعد از آن می‌فرماید: «وَإِنْ مَا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ» و اگر پاره‌ای از مجازاتها را که به آنان وعده می‌دهیم [در زمان حیات] به تو نشان دهیم، «أَوْ نَتُوفِّيَنَّكَ» یا تو را [پیش از آن] بمیرانیم، «فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ» در هر حال، تو تنها ابلاغ‌کننده‌ای و بس.

طبری و قرطبی و ابن کثیر در تفسیر این آیه روایتی آورده‌اند که مؤید گفتار ماست و فشرده آن چنین است:

خلیفه دوم عمر بن خطاب پیرامون خانه خدا طواف می‌کرد و می‌گفت:

اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتَ كَتَبْتَنِي فِي أَهْلِ السَّعَادَةِ فَأَثْبِتْنِي فِيهَا، وَإِنْ كُنْتَ كَتَبْتَنِي فِي أَهْلِ الشَّقَاوَةِ وَالذَّنْبِ فَامْحِنِي وَ ائْتِنِي فِي أَهْلِ السَّعَادَةِ وَ الْمُغْفِرَةِ، فَإِنَّكَ تَمْحُو مَا تَشَاءُ وَ تُثَبِّتُ وَ عِنْدَكَ أُمُّ الْكِتَابِ؛

خدایا: اگر مرا در زمره سعادت‌مندان قرار داده‌ای، در آن استوارم دار، و اگر از شقاوت‌مندان و گناهکارانم نوشته‌ای، نامم را از آن محو و در میان سعادت‌مندانم جایگزین بفرما. زیرا، تو هر چه را بخواهی محو یا برقرار می‌داری.

و از قول صحابی پیامبر این مسعود روایت شده که می‌گفت:

اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتَ كَتَبْتَنِي فِي السُّعْدَاءِ فَأَثْبِتْنِي فِيهِمْ، وَإِنْ كُنْتَ كَتَبْتَنِي فِي الْأَشْقِيَاءِ فَامْحِنِي مِنَ الْأَشْقِيَاءِ وَ ائْتِنِي فِي السُّعْدَاءِ، فَإِنَّكَ تَمْحُو مَا تَشَاءُ وَ تُثَبِّتُ وَ عِنْدَكَ أُمُّ الْكِتَابِ؛

خدایا: اگر مرا در زمره سعادت‌مندان قرار داده‌ای، در بین آنان استوارم دار، و اگر در زمره شقاوت‌مندانم نوشته‌ای، از میان اشقیایم محو و در بین سعادت‌مندانم جایگزین بفرما. زیرا، تو هر چه را بخواهی محو یا برقرار می‌داری، و کتاب اصلی نزد توست.

و از قول ابی وائل آورده‌اند که بارها می‌گفت:

اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتَ كَتَبْتَنَا سُعْدَاءَ فَامْحِنِي مِنَ الْأَشْقِيَاءِ، فَإِنَّكَ تَمْحُو مَا تَشَاءُ وَ تُثَبِّتُ وَ عِنْدَكَ أُمُّ الْكِتَابِ؛

خدایا: اگر ما را در زمره بدبختان قرار داده‌ای، از بین آنان محو و در زمره نیک بختانمان جایگزین بفرما، و اگر در زمره نیک بختان قرارمان داده‌ای در آن استوارمان دار. زیرا، تو هر چه را بخواهی محو یا برقرار می‌داری، و کتاب اصلی نزد توست. [۵].

در بحارالانوار آمده است:

وَإِنْ كُنْتُ مِنَ الْأَشْقِيَاءِ فَمَا مَحْنِي مِنَ الْأَشْقِيَاءِ وَ أَكْتُبِنِي مِنَ السُّعْدَاءِ، فَأَنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنَزَّلَ عَلَى نَبِيِّكَ صَلَّى لَوْ أَتَاكَ عَلَيْهِ وَ آله: يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَ يُثَبِّتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ؛

و اگر از بدبختانم، مرا از زمره آنان محو و در بین نیک بختان جایگزین فرما. زیرا، تو در کتاب خود که بر پیامبرت (ص) نازل شده فرموده‌ای: خداوند هر چه را بخواهد محو یا برقرار می‌دارد و کتاب اصلی نزد اوست [۶].

قرطبی نیز، در ذیل روایتی که از صحیح بخاری و مسلم آورده، بر این معنی استدلال کرده است، روایت می‌گوید: رسول اکرم (ص) فرمود:

مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُبْسَطَ لَهُ فِي رِزْقِهِ وَ يُنْسَأَ لَهُ فِي أَثَرِهِ - أَجَلِهِ - فَلْيَصِلْ رَحِمَهُ؛

کسی که از وسعت روزی و زیادتی عمر خشنود می‌گردد، به خویشاوند خود نیکی نماید. [۷].

و از ابن عباس نقل کرده که او در جواب کسی که پرسید: چگونه در عمر و اجل زیادتی می‌شود؟ گفت: خدای عز و جل فرموده: هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَى أَجَلًا وَ أَجَلٌ مُسَمًّى عِنْدَهُ؛ [۸].

او کسی است که شما را از گل آفرید، سپس مدتی مقرر داشت، و اجل حتمی نزد اوست.

ابن عباس گفت: «اجل اول در آیه اجل بنده از تولد تا مرگ است، و اجل دوم - یعنی آنچه نزد خداست - از زمان مرگ تا قیامت است که در برزخ به سر می‌برد، و کسی جز خدا آن را نمی‌داند. پس، اگر بنده ای از خدا بترسد و صله رَحِم به جای آورد، خداوند هر چه بخواهد از عمر برزخی او کاسته و به عمر اولش می‌افزاید، و اگر نافرمانی کند و قطع رحم نماید، خداوند هر چه بخواهد از عمر دنیایی اش کاسته و به عمر برزخی اش می‌افزاید [۹]...»

ابن کثیر بر این استدلال افزوده و سخنی گفته که فشرده آن چنین است: این سخن با روایتی که احمد و نسائی و ابن ماجه آورده اند هماهنگ می‌نماید، آنان آورده اند که رسول خدا (ص) فرمود:

إِنَّ الرَّجُلَ لَيَحْرَمُ الرِّزْقَ بِالذَّنْبِ يُصِيبُهُ وَ لَا يَرِدُ الْقَدَرَ إِلَّا الدُّعَاءُ وَ لَا يَزِيدُ فِي الْعُمْرِ إِلَّا الْبِرُّ؛

انسان گاهی به خاطر گناه از روزی محروم می‌گردد، و چیزی جز دعا بلا و سرنوشت را بازنمی‌گرداند، و چیزی جز نیکی عمر را نمی‌افزاید. [۱۰].

و در حدیث دیگری فرموده:

إِنَّ الدُّعَاءَ وَ الْقَضَاءَ لَيَعْتَلِجَانِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ؛ [۱۱].

دعا و سرنوشت در میان آسمان و زمین با هم مبارزه می‌کنند.

آنچه آوردیم یکی از چند وجهی بود که در معنای این آیه گفته اند، وجوه دیگری نیز در معنای آیه آورده اند، مانند این سخن که: «مراد از «محو و اثبات» در آیه: محو حکمی و اثبات حکم دیگر است.» یعنی نسخ احکام شریعت، و درست تر آن است که بگوییم: «مقصود در آیه همه را شامل است.» چنانکه قرطبی نیز این را برگزیده و گفته است: «...این آیه عام است و شامل همه چیز می‌گردد، و این اظهار است و خدا داناتر [۱۲]»

طبری و سیوطی از قول ابن عباس آورده اند که او درباره این آیه: «يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَ يُثَبِّتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» گفته است: «خداوند امور هر سال را در شب قدر تقدیر و برنامه می‌کند جز نیک بختی و بدبختی را [۱۳]...»

ب) خدای سبحان در سوره یونس می‌فرماید:

فَلَوْ لَا كَانَتْ قُوَّةُ آمَنَتِ فَنَفَعَهَا إِيْمَانُهَا إِلَّا قَوْمٌ يُونُسَ لَمَّا آمَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ مَتَّعْنَاهُمْ إِلَى حِينٍ [۱۴]؛

چرا هیچ یک از مردم شهرها و آبادیها ایمان نیاوردند تا ایمانشان سودشان دهد؟ مگر قوم یونس که چون ایمان آوردند، عذاب ذلت و خواری را در زندگی دنیا از آنان برداشتیم، و تا مدتی آنان را برخوردار ساختیم.

شرح کلمات

۱. کَشَفْنَا: زایل کردیم، از بین بردیم، برداشتیم.

۲. خَزَى: خواری، رسوایی.

۳. حین: وقت و زمان نامعلوم که بیش و کم آن مشخص نیست.

تفسیر آیه

فشرده داستان یونس(ع) آنگونه که در تفسیر طبری و قرطبی و مجمع البیان آمده، چنین است: «قوم یونس(ع) در نینوا از اراضی موصل می زیستند و بت می پرستیدند. خداوند یونس(ع) را به سوی ایشان فرستاد تا آنان را به اسلام فرا خوانده و از بت پرستی بازدارد. ایشان سرباز زدند، دو نفر از آنان یکی عابد و دیگری عالم، یونس(ع) را پیروی کردند، عابد از یونس(ع) خواست تا بر علیه آن قوم نفرین کند و عالم او را از این کار نهی کرد و گفت: بر اینان نفرین مکن، زیرا خدا دعایت را مستجاب می کند ولی هلاکت بندگانش را دوست ندارد! یونس(ع) سخن عابد را پذیرفت و نفرین کرد، خداوند فرمود: عذاب در فلان ماه و فلان روز نازل می گردد. یونس(ع) آن را به آنان خبر داد، وقت عذاب که نزدیک شد یونس(ع) به همراه آن عابد از میان ایشان بیرون رفت، ولی آن عالم در میانشان باقی ماند. قوم یونس(ع) با خود گفتند: ما تا به حال از یونس(ع) دروغی را ندیده ایم، مواظب باشید اگر او امشب در بین شما باقی ماند که عذابی در کار نیست، ولی اگر بیرون رفت بدانید که که صبح فردا عذابتان قطعی است. شب که به نیمه رسید یونس(ع) آشکارا از بینشان بیرون رفت. آنان که این را دانستند و آثار عذاب را مشاهده و به هلاکت خود یقین کردند به نزد آن عالم رفتند، او به ایشان گفت: به سوی خدا زاری کنید که او به شما رحم می کند و عذاب را از شما برمی دارد: به سوی بیابان بیرون شوید و زنان و کودکان را از هم جدا کنید و بین حیوانات و بچه هاتان جدایی افکنید، سپس دعا کنید و بگریید! آنان چنین کردند، با زنان و کودکان و چهارپایان خویش سر به صحرا نهادند، لباس پشمینه پوشیدند و اظهار ایمان و توبه کردند و نیت خود را خالص نمودند و میان همه مادران و بچه های آدمی و حیوانات جدایی افکندند سپس نالیدند و فریاد زاری سر دادند. صداها که در هم پیچید و فریادها که آمیخته شد با ناله و اندوه به سوی خدای عز و جل توجه نموده و گفتند: [پروردگارا] ما به آنچه یونس آورده بود ایمان آوردیم، خداوند آنان را بخشید و دعایشان را پذیرفت و عذابی را که بر سرشان سایه گسترده بود از ایشان برطرف ساخت و...»

خداوند، بدین گونه عذاب را از قوم یونس - بعد از آنکه توبه کردند - محو و برطرف کرد. آری، خداوند هرچه را بخواهد محو کرده یا برقرار می دارد.

ج) خداوند سبحان در سوره اعراف می فرماید:

وَاعْدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَنْتَمُنَّاهَا بَعْشَرَ فَنَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً؛ [۱۵].

ما با موسی سی شب وعده گذاشتیم، و آن را با ده شب دیگر تکمیل کردیم تا میقات پروردگارش چهل شب تمام شد.

و در سوره بقره فرموده:

وَإِذْ وَاَعْدْنَا مُوسَى أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ؛ [۱۶].

و [به یاد آورید] هنگامی را که با موسی چهل شب وعده گذاریم، و شما بعد از او - در حالی که ستمکار بودید - گوساله را برگزیدید.

بداء در روایات مکتب خلفا

طیالسی و احمد و ابن سعد و ترمذی روایتی دارند که فشرده آن با عبارت طیالسی چنین است:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِنَّ اللَّهَ أَرَى آدَمَ ذُرِّيَّتَهُ فَرَأَى رَجُلًا أَزْهَرَ سَاطِعًا نُورُهُ، قَالَ: يَا رَبِّ مَنْ هَذَا؟ قَالَ: هَذَا ابْنُكَ دَاوُدُ! قَالَ: يَا رَبِّ فَمَا عُمْرُهُ؟ قَالَ: سِتُّونَ سِنِينَ! قَالَ: يَا رَبِّ زِدْ فِي عُمْرِهِ! قَالَ: لَا- إِلَّا أَنْ تَزِيدَهُ مِنْ عُمْرِكَ! قَالَ: وَمَا عُمْرِي؟ قَالَ: أَلْفٌ سِنِينَ! قَالَ آدَمُ: فَقَدْ وَهَبْتُ لَهُ أَرْبَعِينَ سِنِينَ مِنْ عُمْرِي... فَلَمَّا حَضَرَهُ الْمَوْتُ وَجَاءَتْهُ الْمَلَائِكَةُ قَالَ: قَدْ بَقِيَ مِنْ عُمْرِي أَرْبَعُونَ سِنِينَ. قَالُوا: إِنَّكَ قَدْ وَهَبْتَهَا لِدَاوُدَ!

رسول خدا(ص) فرمود: خداوند نسل آدم(ع) را به او نشان داد، آدم در میان آنان مردی را دید با چهره ای نور افشان، عرض کرد: خدایا! این کیست؟ فرمود: این فرزند تو داود است! عرض کرد: خدایا عمر او چقدر است؟ فرمود: شصت سال! عرضه داشت: خدایا در عمر او بیفزای؟ فرمود: نمی شود مگر آنکه از عمر خودت به او بیفزایی! عرض کرد: عمر من چقدر است؟ فرمود: هزار سال! آدم گفت: من چهل سال از عمرم را به او بخشیدم... هنگام وفات او که فرا رسید و فرشتگان قبض روح به بالینش آمدند گفت: هنوز چهل سال از عمر من باقی است! گفتند: تو خودت آن را به داود بخشیدی! [۱۷].

این روایت به اضافه آنچه در گذشته، درباره آثار «صَلِّهِ رَحِمًا» و همانند آن، از روایات مکتب خلفا آوردیم از مصادیق «يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» است.

امامان اهل بیت(ع) «محو و اثبات» را «بداء» نام نهاده اند که - به یاری خدای متعال - در بخش پنجم آن را بررسی می نمایم.

بداء در روایات امامان اهل بیت

در بحار از امام صادق(ع) آورده است که فرمود:

مَا بَعَثَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ نَبِيًّا حَتَّى يَأْخُذَ عَلَيْهِ ثَلَاثَ حِصَالٍ: الْأَقْرَارَ بِالْعُبُودِيَّةِ، وَخَلْعَ الْأَنْدَادِ، وَ أَنَّ اللَّهَ يُقَدِّمُ مَا يَشَاءُ وَيُؤَخِّرُ مَا يَشَاءُ؛ خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرده مگر آنکه سه چیز را از او خواسته است: اقرار به بندگی خدا، نفی هر گونه شریک و همتا برای او، و اینکه خداوند هر چه را بخواهد مقدم داشته و هر چه را بخواهد وا پس می دارد [۱۸].

امام صادق(ع) همین معنی را در بیان دیگری با لفظ «محو و اثبات» آورده و فرموده:

مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا قَطُّ حَتَّى يَأْخُذَ عَلَيْهِ ثَلَاثًا: الْأَقْرَارَ بِالْعُبُودِيَّةِ، وَخَلْعَ الْأَنْدَادِ، وَ أَنَّ اللَّهَ يَمْحُو مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ مَا يَشَاءُ؛ خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرده مگر آنکه سه چیز را از او خواسته است: اقرار به عبودیت خدا، نفی هر گونه شریک و همتا برای او، و اینکه خداوند هر چه را بخواهد محو کرده و هر چه را بخواهد برقرار می دارد [۱۹].

و در روایت سومی «محو و اثبات» را «بداء» نامیده که فشرده آن چنین است:

مَا تَبَيَّنَّا نَبِيًّا قَطُّ حَتَّى يُقَرَّرَ لِلَّهِ تَعَالَى... بِالْبَدَاءِ...؛

هیچ پیامبری هرگز نشان پیامبری نگیرد مگر آنکه برای خدای متعال به این امور اعتراف نماید... یکی از آنها اعتراف به «بداء» است [۲۰].

از امام رضا(ع) روایت کرده اند که فرمود:

مَا بَعَثَ نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا بِتَحْرِيمِ الْخَمْرِ، وَ أَنْ يُقَرَّرَ لَهُ بِالْبَدَاءِ؛

خداوند هرگز پیامبری را نفرستاده مگر با حرمت شراب و اینکه به «بداء» [محو و اثبات] در حق خدا اعتراف نماید [۲۱].

و در روایت دیگری، امام صادق(ع) از زمان «محو و اثبات» نیز خبر داده و فرموده:

إِذَا كَانَ لَيْلَهُ الْقَدَرِ نَزَلَتِ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ وَالْكِتَابَةُ إِلَى سَمَاءِ الدُّنْيَا فَيَكْتُبُونَ مَا يَكُونُ مِنْ قَضَاءِ اللَّهِ تَعَالَى فِي تِلْكَ السَّنَةِ فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يُقَدِّمَ شَيْئًا أَوْ يُؤَخِّرَهُ أَوْ يُنْقِصَ شَيْئًا أَمَرَ الْمَلَكَ أَنْ يَمْحُو مَا يَشَاءُ ثُمَّ أُثْبِتَ الَّذِي أَرَادَ؛

شب قدر که می شود فرشتگان و روح و نویسندگان به آسمان دینا فرود می آیند و هر چه را خدای متعال در آن سال مقرر فرموده

می نویسند، و اگر خدا بخواهد چیزی را پیش انداخته یا واپس بدارد، یا چیزی را بکاهد، به فرشته مأمور فرمان می دهد آن را همان گونه که خواسته «محو و نابود» یا «برقرار» بدارد. [۲۲].

امام باقر(ع) نیز در بیان دیگری از آن خبر داده که فشرده آن چنین است:

تَنْزَلُ فِيهَا الْمَلَائِكَةُ وَالْكَتَبَةُ إِلَى السَّمَاءِ فَيَكْتُبُونَ مَا هُوَ كَائِنٌ فِي أَمْرِ السَّنَةِ وَمَا يُصِيبُ الْعِبَادَ فِيهَا. قَالَ: وَ أَمْرٌ مَوْقُوفٌ لِلَّهِ تَعَالَى فِيهِ الْمَشِيئَةُ يُقَدِّمُ مِنْهُ مَا يَشَاءُ وَيُؤَخِّرُ مَا يَشَاءُ وَ هُوَ قَوْلُهُ تَعَالَى: يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ؛

در شب قدر فرشتگان و نویسندگان به آسمان دنیا فرود می آیند و هر چه را که در آن سال شدنی است و هر چه در آن به بندگان می رسد، همه را می نویسند. فرمود: و کارهایی است که وابسته به مشیت الهی است، هر چه را بخواهد مقدم داشته و هر چه را بخواهد واپس می دارد، و این معنای سخن خدای متعال است که فرموده: يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَ يَثْبِتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ. [۲۳].

امام باقر(ع) در حدیث دیگری درباره این آیه: «وَلَنْ يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا»، خداوند هرگز مرگ کسی را - هنگامی که اجلش فرا می رسد - به تأخیر نمی اندازد. فرمود: «زمانی که اجل فرود آید و نویسندگان آسمان آن را بنویسند، این اجل را خداوند به تأخیر نمی اندازند. [۲۴]»

علامه مجلسی در این باب از بحار همان داستانی را که آدم(ع) چهل سال از عمر خود را به داود بخشید و ما آن را در روایات مکتب خلفا آوردیم، آورده است. [۲۵].

این، معنای «بداء» در روایات امامان اهل بیت بود. اما «بداء» به این معنی که، «برای خداوند رأی جدید و تازه ای در کار پیدا شود که پیش تر آن را نمی دانسته» - معاذ الله - این دیدگاه در مکتب اهل بیت منکر و مردود است، و ما از آن به خدا پناه می بریم. دیدگاه امامان اهل بیت(ع) در این باره همان است که مجلسی از امام صادق آورده، امام(ع) فرموده:

مَنْ زَعَمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَبْدُو لَهُ فِي شَيْءٍ لَمْ يَعْلَمْهُ أَمْسَ فَأَبْرَأُوا مِنْهُ؛

هر کس بگوید برای خدای عزوجل در چیزی، رأی تازه و جدیدی پیدا می شود که پیش تر آن را نمی دانسته، از او بیزار می بجوید. [۲۶].

اثر اعتقاد به بداء

اگر کسی معتقد گردد که، برخی از انسانها که در زمره نیک بختان قرار گرفته اند هرگز حالشان عوض نگردد و هیچ گاه در ردیف بدبختان قرار نمی گیرند، و برخی از انسانها که در زمره بدبختان قرار گرفته اند هرگز حالشان عوض نشده و در ردیف نیک بختان در نمی آیند، و قلم از تغییر سرنوشت انسانها خشکیده و بازمانده است، اگر چنین تصویری در کار باشد، یقیناً گناهکار از گناه خویش توبه نمی کند که هیچ، بلکه به کار خود ادامه می دهد، زیرا می پندارد که شقاوت و بدبختی سرنوشت حتمی اوست و امکان تغییر در آن نیست! از طرف دیگر، شیطان، بنده نیکوکار را؛ ب ب ثوسوسه می کند که، تو از نیک بختانی و در زمره اشقیای بدبخت نخواهی رفت، و همین وسوسه کافی است که او را به سستی در عبادت و اطاعت بکشاند و با او آن کند که نباید.

برخی از مسلمانان که معانی آیات و روایات وارد درباره «مشیت» را به وضوح و کمال دریافته اند به دو گروه تقسیم شده اند: گروهی چنین پنداشته اند که، «انسان بر آنچه می کند مجبور است»، و گروه دیگر معتقد شده اند: «همه کارها به انسان تفویض و واگذار شده است.» ما در بحث آینده «جبر و تفویض و قضا و قدر» - به یاری خدا - این موضوع را بررسی کرده و راه حق و صواب در این باره را بازمی شناسیم.

- [۱] سوره شعرا، آیات ۱۲۰ - ۱۲۱.
- [۲] سوره هود، آیه ۱۳۹.
- [۳] سوره اعراف، آیه ۱۳۳.
- [۴] سوره اسراء، آیات ۹۰ - ۹۲.
- [۵] هر سه حدیث را طبری در تفسیر آیه آورده است. ابو وائل شقیق بن مسلمه اسدی کوفی است، شرح حال او در تهذیب التهذیب، ج ۱۰، ص ۳۵۴، چنین است که: ثقه است و مخضرم [جاهلیت و اسلام را درک کرده است] در زمان صحابه و تابعین حضور داشته و در خلافت عمر بن عبدالعزیز در سن یکصد سالگی از دنیا رفته است.
- [۶] بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۱۶۲.
- [۷] صحیح بخاری، ج ۳، ص ۳۴؛ کتاب الادب باب ۱۲ و ۱۳، و صحیح مسلم، ص ۱۹۸۲، حدیث ۲۰ و ۲۱ از باب صله رحم و مسند احمد، ج ۳، ص ۲۴۷ و ۲۶۶ و ج ۵، ص ۷۶.
- [۸] سوره انعام، آیه ۲.
- [۹] تفسیر قرطبی، ج ۹، ص ۳۲۹-۳۳۱.
- [۱۰] مقدمه سنن ابن ماجه، باب ۱۰، حدیث ۹۰.
- [۱۱] تفسیر ابن کثیر، ج ۲، ص ۵۱۹.
- [۱۲] تفسیر قرطبی، ج ۲، ص ۳۲۹.
- [۱۳] تفسیر طبری، ج ۱۳، ص ۱۱۱ و تفسیر سیوطی، ج ۴، ص ۶۵. عبارت از طبری است.
- [۱۴] سوره یونس، آیه ۹۸.
- [۱۵] سوره اعراف، آیه ۱۴۲.
- [۱۶] سوره بقره، آیه ۵۱.
- [۱۷] مسند طیالسی، ص ۳۵۰، حدیث ۲۶۹۲، مسند احمد، ج ۱، ص ۲۵۱، ۲۹۸ و ۳۷۱؛ طبقات ابن سعد، چاپ اروپا، ج ۱، قسمت اول ص ۷ - ۹؛ سنن ترمذی، ج ۱۱، ص ۱۹۶ و ۱۹۷، در تفسیر سوره اعراف. در کتاب بحارالانوار، ج ۴، ص ۱۰۳-۱۰۲ نیز با اختلافی اندک، از امام باقر(ع) آورده است.
- [۱۸] بحار، ج ۴، ص ۱۰۸، به نقل از توحید صدوق.
- [۱۹] بحار، ج ۴، ص ۱۰۸، به نقل از توحید صدوق.
- [۲۰] بحار، ج ۴۷، ص ۱۰۸، به نقل از توحید صدوق.
- [۲۱] بحار، ج ۴، ص ۱۰۸، به نقل از توحید صدوق.
- [۲۲] بحار، ج ۴، ص ۹۹، به نقل از تفسیر علی بن ابراهیم.
- [۲۳] بحار، ج ۴، ص ۱۰۲، به نقل از امالی شیخ مفید.
- [۲۴] همان.
- [۲۵] بحار، ج ۴، ص ۱۰۲، به نقل از علل الشرایع.
- [۲۶] بحار، ج ۴، ص ۱۱۱، به نقل از اکمال الدین صدوق.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-(۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهنانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهانندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

